موضوع: مراجعه 48 ، بررسی حدیث 36

حدیث 36 از مراجعه 48

بحث درباره حدیث پیشتازان سه گانه بود. درباره سند حدیث و دلالت آن بر امامت امیرالمومنین (ع) بحث شد و سخن به پیشتازی حضرت امیرالمومنین (ع) در ایمان به رسول اکرم (ص) رسید. در این باره پژوهشی ابن ابی الحدید دارد که در ادامه به آن پرداخته می شود:

پژوهشی از ابن ابی الحدید

ابن ابی الحدید معتزلی در شرح کلام امیرالمؤمنین (ع) که فرموده است: «سبقت الی الایمان و الهجرة»[[1]](#footnote-1) این مطلب را به تفصیل بررسی کرده است. وی روایات و اقوال مربوط به اینکه از میان علی (ع)، ابوبکر و زید بن حارثه، کدامیک نخستین فردی بوده که به پیامبر ایمان آورده است را از کتاب «الاستیعاب» ابوعمر یوسف بن عبدالبرّ نقل کرده و دیدگاه او را در این باره که سابق بودن ایمان علی (ع) بر ابوبکر و زید بن حارثه و دیگر مسلمانان – غیر از خدیجه (س)- مسلم و قطعی است و آنچه درباره ابوبکر صحیح است، این است که او در اظهار ایمان بر علی (ع) مقدم بوده است، و این امر سبب اشتباه برخی شده و گمال کرده اند که اسلام آوردن او بر علی (ع) مقدم بوده است، تایید کرده و یادآور شده است که این دیدگاه که صحیح است، مشهور و مورد قبول اکثریت بوده است، و دیدگاه مخالف آن، قلیل و شاذ است. برای تبیین بیشتر این مساله، پژوهش وی را بازگو می کنیم:

ممکن است گفته شود چگونه علی (ع) گفته است: «سبقت الی الایمان» در حالی که برخی اسلام ابوبکر و برخی اسلام زید بن حارثه را سابق بر ایمان علی (ع) می دانند؟

پاسخ این است که اکثر اهل حدیث و محققان از سیره نویسان روایت کرده اند که علی (ع) اولین فردی است که اسلام آورده است و ما در این جا سخن أبی عمر یوسف بن عبد البرّ در کتاب معروف «الاستیعاب» را نقل می کنیم. مطالبی که ابن ابی الحدید از ابن عبد البّر درباره اسلام علی (ع) نقل کرده، به شرح زیر است:

1. از سلمان، ابوذر، مقداد، خبّاب، ابوسعید خدری و زید بن اسلم روایت شده که علی (ع) اولین فردی بود که به رسول خدا (ص) ایمان آورد.

2. ابن اسحاق گفته است: اولین کسی که به خدا و رسول خدا (ص) ایمان آورد، علی بن ابی طالب (ع) بود.

3. ابن شهاب نیز همین دیدگاه را برگزیده است با این تفاوت که او قید «من الرجال بعد خدیجه» را افزوده است.

4. در روایتی از ابن عباس برای علی (ع) خصلت های چهارگانه ویژه ای بیان شده است که اولین آنها این است که او نخستین فردی بود که با پیامبر اکرم (ص) نماز خواند.[[2]](#footnote-2)

5. از ابن عباس و سلمان روایت شده که اولین فردی از این امت که در قیامت نزد حوض کوثر بر پیامبر اکرم(ص) وارد خواهد شد، علی بن ابی طالب (ع) است که قبل از دیگران اسلام آورده است.

6. ابوداود طیالسی در مسند خود از عمرو بن میمون از ابن عباس روایت کرده که علی بن ابی طالب (ع) اولین کسی بود که پس از خدیجه (س) با پیامبر (ص) نماز گزارد.

7. در حدیث دیگری که هیچ کس در سندش مناقشه ندارد، عمرو بن میمون از ابن عباس روایت کرده که علی(ع) پس از خدیجه(س) اولین فردی بود که به رسول خدا (ص) ایمان آورد. این حدیث، معارض حدیثی از ابن عباس است که ابوبکر را اولین مؤمن به پیامبر (ص) معرفی کرده است. آنچه درباره ابوبکر صحیح است این است که او اولین فردی است که ایمانش را آشکار کرد.

8. ابن شهاب، عبدالله محمد بن عقیل قتاده و ابن اسحاق اتفاق نظر دارند که علی (ع) نخستین فرد از مردان است که اسلام آورد. این مطلب از ابورافع نیز روایت شده است.

9. از محمد بن کعب قرضی سوال شد، اولین کسی که اسلام آورد، علی بود یا ابوبکر؟ او در پاسخ گفت: سبحان الله، علی (ع) اولین آن دو در پذیرش اسلام است. اشتباه در این جا ناشی از آن است که علی (ع) اسلامش را از ابوطالب پنهان می کرد، ولی ابوبکر اسلام خود را آشکار می نمود.

10. عبد الرزاق در جامع روایی خود از قتاده، حسن بصری و دیگران نقل کرده که گفته اند: اولین کسی که بعد از خدیجه (س) اسلام آورد، علی بن ابی طالب (ع) بود.

11. معمر، از عثمان جزری، از مِقسَم از ابن عباس روایت کرده که علی بن ابی طالب (ع) اولین کسی بود که اسلام آورد.

12. ابن فضیل از أجلح، از حبّة بن جوین عرنی روایت کرده که گفت: از علی (ع) شنیدم که می گفت: من به مدت پنج سال قبل از اینکه احدی از این امت خدا را عبادت کند، خدا را عبادت کرده ام.

13. شعبه بن سلمة بن کهیل از حبّة عرنی روایت کرده که گفت: شنیدم که علی (ع) می گفت: من اولین کسی هستم که با رسول خدا (ص) نماز خواندم.

14. مسلم ملائی از انس بن مالک روایت کرده که گفت: پیامبر (ص) روز دوشنبه به پیامبری مبعوث شد و علی(ع) روز سه شنبه با وی نماز گزارد.

15. از طرق متعدد از زید بن ارقم روایت شده که گفت: اولین کسی که پس از پیامبر (ص) به خدا ایمان آورد، علی بن ابی طالب (ع) بود.

16. اسماعیل بن ایاس بن عفیف کندی از پدرش، از جدش روایت کرده که گفت: من تاجر بودم؛ در سفر حج نزد عباس بن عبدالمطلب که او نیز تاجر بود رفتم تا با او معامله کنم. به خدا سوگند در سرزمین منی نزد او بودم که ناگهان مردی از خیمه ای که نزدیک بود بیرون آمد و به خورشید نگاه کرد و به نماز ایستاد. سپس زنی از همان خیمه بیرون آمد و پشت سر او به نماز ایستاد. پس از آن نوجوانی از آن خیمه بیرون آمد و با او نماز گزارد. به عباس گفتم: او کیست؟ گفت: این محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب، برادر زاده ام می باشد. گفتم: این زن کیست؟ گفت: همسرش خدیجه بنت خویلد است. گفتم: این نوجوان کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب پسر عمویش می باشد. گفتم: این چه عملی است که انجام دادند؟ گفت: نماز بجای می آورند. او معتقد است که پیامبر است و غیر این همسرش و این نوجوان کسی از او پیروی نکرده است. او معتقد است که گنج های کسری و قیصر را برای امت خود فتح خواهد کرد. عفیف که مدتی پس از آن اسلام آورد، آرزو می کرد که آن روز اسلام آورده بود تا دومین مردی باشد که اسلام آورده است. ما در این کتاب (الاستیعاب) این جریان را از طرق مختلف نقل کرده ایم.

17. علی (ع) گفته است: «من با رسول خدا (ص) نماز می گزاردم و غیر از خدیجه(س) کسی با او نماز نمی خواند».

این روایات و اخباری است که ابوعمر یوسف بن عبد البّر در کتاب «الاستیعاب» نقل نموده است و چنان که می بینی، این مطالب قریب به اجماعی بودن است.

ابن عبد البرّ سپس گفته است: آنچه در مورد علی (ع) محل اختلاف است، مقدار سن ایشان در زمانی است که اسلام آورد که در این باره اقول مختلفی وجود دارد که عبارتند از: هشت سال، ده سال، دوازده سال، سیزده سال، پانزده سال و شانزده سال.

ابن ابی الحدید، پس از نقل مطالب یاد شده گفته است: «مشایخ متکلمین ما در این که علی بن ابی طالب (ع) اولین فردی است که اسلام آورده، غیر از اولین متکلمان اهل بصره، اختلافی وجود ندارد. امروزه در میان متکلمان و محققان در این باره اختلافی دیده نمی شود. بدان که امیرالمؤمنین (ع) پیوسته این مطلب را ادعا می کرد و به آن افتخار می نمود، و بارها می گفت: من صدیق اکبر و فاروق اول هستم و قبل از آن که ابوبکر اسلام بیاورد و نماز بخواند اسلام آورده و نماز خوانده ام. این مطلب را ابومحمد بن قتیبه در کتاب «المعارف»[[3]](#footnote-3) نقل کرده است و او در این باره متهم نیست. و از امیرالمؤمنین (ع) ابیاتی از شعر نقل شده که یکی از آنها این است:

سبقتکم الی الإسلام طرّا غلاما ما بلغت أوان حُلمی

اخبار در این باره بسیار است و این کتاب گنجایش نقل آنها را ندارد. هر کسی در کتاب های سیره و تاریخ تأمل کند، آنچه را بیان کردیم، خواهد یافت.

اما کسانی که گفته اند: ابوبکر پیشتاز در اسلام بوده است، افراد اندکی هستند. ما در این جا آنچه را ابن عبد البرّ در کتاب «الاستیعاب» در شرح حال ابوبکر بیان کرده است را نقل می کنیم:

1. در روایتی از شعبی نقل شده که از ابن عباس درباره نخستین فردی که اسلام آورد سوال شد، او در پاسخ گفت: آیا شعر حسان بن ثابت را نشنیده ای که در مدح ابوبکر گفته است: «اول الناس منهم صدّق الرسلا».

2. شعبه از عمرو بن مره از ابراهیم نخعی نقل کرده که گفته است: نخستین فردی که اسلام آورد، ابوبکر بود.

3. جریری از ابونصر نقل کرده که ابوبکر به علی (ع) گفت: من قبل از تو اسلام آوردم و علی (ع) آن را انکار نکرد.

4. ابو مجحن ثقفی درباره او سروده است:

سبقت الی الاسلام و الله شاهد و کنت جلیسا بالعریش المشهّر

5. عمرو بن عبسه گفته است: نزد پیامبر (ص) آمدم و گفتم: چه کسی در این امر از تو پیروی کرده است؟ گفت: حرّ و عبدی؛ ابوبکر و بلال. در این هنگام من اسلام آوردم.

این ها مجموع مطالبی است که ابن عبد البرّ در شرح حال ابوبکر نقل کرده است و معلوم است که این روایات قابل مقایسه با روایاتی که درباره علی (ع) نقل کرده و بر سابق بودن او در اسلام دلالت می کنند، نمی باشد. و شکی نیست که صحیح همان است که ابن عبد البرّ گفته است که علی (ع) در اسلام آوردن، سابق بر ابوبکر بوده است و ابوبکر اولین کسی است که اسلام خود را آشکار ساخت. به این جهت – به خطا – گمان شده که او در اسلام بر امیرالمؤمنین (ع) سبقت گرفته است».

ابن ابی الحدید، سپس به دیدگاهی پرداخته که زید بن حارثه را اولین مؤمن به پیامبر (ص) دانسته و گفته است: ابن عبد البرّ در شرح حال زید از زهری نقل کرده که گفته است: ما کسی را نمی شناسیم که قبل از زید بن حارثه اسلام آورده باشد. عبد الرزاق گفته است: من احدی را غیر از زهری نمی شناسم که این سخن را گفته باشد. ابن عبد البرّ درباره پیشتازی زید در اسلام، مطلبی غیر از این نقل نکرده است و خود آن را غریب شمرده است.

مجموع آنچه نقل نمودیم بر این دلالت می کند که علی (ع) اولین فردی – از مردان – بود که اسلام آورد و مخالف در ابن باره شاذ است، و قول شاذ مورد اعتنا نمی باشد.[[4]](#footnote-4)

چیستی و چگونگی اسلام و ایمان امیرالمؤمنین (ع)

معنای متعارف ایمان آوردن کسی به پیامبری یا دین و شریعتی این است که او قبلا ایمان نداشته و کافر یا مشرک بوده است. این در حالی است که امیرالمؤمنین (ع) هرگز کفر یا شرک نورزیده است. بنابراین پرسشی که در این باره مطرح می شود این است که معنا و مفهوم ایمان و اسلام آوردن امیرالمؤمنین (ع) به پیامبر اکرم (ص) و آیین توحیدی اسلام چیست؟ برخی از نواصب این مطلب را به عنوان شبهه ای درباره ایمان و اسلام امیرالمؤمنین (ع) مطرح کرده و عده ای از مؤمنان ساده اندیش را دچار حیرت کرده اند. با این شبهه، همه روایات مربوط به اینکه امیرالمؤمنین (ع) نخستین کسی بود که به رسول اکرم (ص) و آیین اسلام ایمان آورد، با مشکل جدی مواجه می شود. عده از محققان به نقل و نقد این شبهه پرداخته و حقیقت ایمان و اسلام امیرالمؤمنین (ع) را تبیین کرده اند که گزیده هایی از سخنان آنان را در این جا باز می گوییم:

1. علامه ابوالفتح کراجکی گفته است: مخالفان (نواصب) به خاطر شدت دشمنی با امیرالمؤمنین (ع) شبهه ای را القاء کرده گفته اند: اسلام آوردن از کسی صحیح و ممکن است که قبلا کافر بوده باشد، اما کسی که هرگز کافر و گمراه نبوده است، صحیح نیست که گفته شود اسلام آورد. و اگر علی بن ابی طالب (ع) هیچ گاه کفر نورزیده است، صحیح نیست که گفته شود اسلام آورد. این شبهه آنان برخی از مستضعفان شیعه را دچار مشکل نموده است و من جماعتی از آنان را دیدم که همین سخن را می گفتند و این سخن که امیرالمؤمنین (ع) اسلام آورد را بزرگ و غیر قابل قبول می شمردند. من آنان را آگاه کردم که این شبهه ای است که دشمنان القا کرده اند. برخی از آنها سخن مرا قبول کردند و برخی دیگر بر سخن خود اصرار می ورزیدند.

من با یکی از طرفداران این شبهه از شیعیان برخورد نمودم و به او گفتم: آیا عبارت مسلم (مسلمان) را در مورد علی بی ابی طالب (ع) به کار می بری؟

گفت: گریزی از آن نیست.

گفتم: آیا به کسی که اسلام نیاورده می گویی مسلم.

گفت: اگر بگویم او اسلام آورده است، اقرار کرده ام به این که قبلا اسلام نداشته است. ولی من می گویم او مسلمان به دنیا آمده است.

گفتم: لازمه این سخن، اعتقاد به جبر است و فضیلت بودن اسلام امیرالمؤمنین (ع) را نیز زیر سوال می برد. پس باید یکی از دو دیدگاه را برگزینی: یکی اینکه بگویی اسلام و ایمان او فعل خداوند بوده است که دو لازمه نادرست یاد شده را دارد، و یا اینکه بگویی خداوند او را زنده و توانا خلق کرده و به او عقل عطا نموده، سپس به ایمان و اسلام تکیف کرده و او اطاعت نموده و کاری را انجام داده که مستحق اجر و پاداش است. در این صورت اسلام و ایمان او فعلی است که بر اساس قصد و اختیار او انجام گرفته است.

کراجکی سپس به تحلیل و نقل دیدگاه یاد شده پرداخته است.[[5]](#footnote-5)

اسلام و ایمان امیرالمؤمنین (ع) مسبوق به کفر و شرک نبوده است، زیرا همان گونه که بیان گردید و از مسلمات تاریخ است، آن حضرت از کودکی، ملازم با رسول اکرم (ص) و تحت تکفل و تربیت ایشان بود. پیامبر اکرم(ص) نیز از کودکی تحت تربیت و هدایت ویژه خداوند توسط یکی از بزرگ ترین فرشتگان خود قرار داشت. بنابراین، همان گونه که ایمان و اسلام رسول خدا (ص) به توحید و نبوت عامه و خاصه و شریعت اسلام، مسبوق به کفر و شرک نبود، ایمان و اسلام علی (ع) نیز این گونه بود. با این حال ایمان و اسلام امیرالمؤمنین (ع) همانند ایمان و اسلام رسول اکرم (ص) آگاهانه و اختیاری بود، بدین جهت ملاک فضیلت و مستحق مدح و پاداش بود. در ایمان و اسلام اختیاری، سن و سال یا بلوغ فقهی شرط نیست، بلکه آگاهی و رشد عقلی و بلوغ شخصیتی شرط است که در پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) از آغاز ولادت وجود داشت، همان گونه که در حضرت عیسی(ع) از بدو ولادت و در حضرت یحیی (ع) در کودکی تحقق داشت.

در روایات آمده است که خداوند متعال، رسول اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) را از میان اهل زمین برگزیده است.[[6]](#footnote-6) این مطلب از آیه مباهله[[7]](#footnote-7) نیز به روشنی استفاده می شود، زیرا بر اساس روایات شأن نزول و دلالت سیاق آیه، علی (ع) که رسول اکرم (ص) او را همراه با فاطمه زهرا (س) و امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) برای مباهله با نصارای نجران برگزید، مصداق «أنفسنا» است. بنابراین، او به منزله نفس پیامبر (ص) است و غیر از مقام نبوت، دیگر مقامات رسول خدا (ص) را دارا می باشد.

علامه کراجکی در پاسخ این پرسش که امیرالمؤمنین (ع) قبل از آن که رسول اکرم (ص) به رسالت مبعوث شود و آیین اسلام را بیاورد، از نظر ایمان در چه وضعیتی بود، گفته است: آن حضرت در دوران کودکی، عاقل و ممیز بود و همان اعتقاداتی را داشت که رسول اکرم (ص) قبل از رسالت داشت، یعنی از طریق عقل به آفریدگار یکتا معرفت و اعتقاد داشت. تنبیه (یادآوری) و تحریک خاطر ایشان توسط رسول اکرم (ص) نیز در این باره مؤثر بود، اما ایمان به شریعت اسلام در آن زمان موضوعا منتفی بود. آن گاه که رسول اکرم (ص) به رسالت مبعوث شد، همان گونه که پیامبر (ص) به آن ایمان و اقرار داشت، علی (ع) نیز به آن مؤمن بود.[[8]](#footnote-8)

حاصل آن که اسلام و ایمان امیرالمؤمنین (ع) در ارتباط به توحید و یکتا پرستی و تسلیم بودن در برابر اوامر و نواهی خداوند، از آغاز زندگی تحقق داشته و مسبوق به شرک و کفر و آیین های شرک آمیز نبوده است و در ارتباط به نبوت رسول اکرم (ص) و شریعت اسلام، از اولین لحظه ای که از آن آگاه گردید به آن ایمان آورد. در برخی روایات آمده است که وقتی رسول خدا (ص)، علی (ع) را از نبوت و رسالت خویش آگاه ساخت، از ایشان تقاضای مهلت کرد تا در این باره بیندیشد و صبحگاهان پس از تأمل و اندیشه شبانه، به پیامبر اکرم (ص) ایمان آورد. اگر چنین روایاتی درست باشد، توجیه آن این است که این کار را بدان جهت انجام داده است، تا غرض ورزان و بدخواهان اسلام و ایمان او را کودکانه و غیر مبتنی بر تحقیق و اندیشه ورزی، به شمار نیاورند و برای همگان معلوم باشد که آن حضرت از بلوغ و رشد عقلی لازم برخودار بود، و اسلام و ایمانش خردورزانه و تحقیقی بوده است، نه کودکانه و تقلیدی.[[9]](#footnote-9)

مقریزی، پس از نام بردن هشت نفر که پیش از دیگران اسلام آورده بودند می گوید: اما علی بن ابی طالب (ع) هرگز به خدا شرک نیاورده بود، زیرا خدای متعال خیر او را می خواست و او را در کفالت پسر عمویش سید المرسلین محمد (ص) قرار داد. هنگامی که وحی برای رسول خدا (ص) آمد و خدیجه (س) را خبر داد و او هم تصدیق کرد، خدیجه (س) و علی بن ابی طالب (ع) و زید بن حارثه، با رسول خدا (ص) نماز می گزاردند، و موقعی که نزد کعبه نماز می خواند و بیم آن می رفت که قریش مزاحم شوند، علی (ع) و زید او را محافظت می کردند.[[10]](#footnote-10)

مسعودی گفته است: «بسیاری از مردم عقیده دارند که علی (ع) هرگز به خدا شرک نورزید تا از نو اسلام آورد، بلکه در همه کارها پیرو رسول خدا (ص) بود و به او اقتدا می کرد و بر همین حال بالغ شد و خدا او را عصمت داد و مستقیم داشت و برای پیروی از پیامبر خود توفیق داد».[[11]](#footnote-11)

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. نهج البلاغه، خطبه 56 [↑](#footnote-ref-1)
2. سه خصلت دیگر عبارتند از : 1. در همه جنگ هایی که امیرالمؤمنین (ع) حضور داشت، پرچم پیامبر (ص) را در دست داشت. 2. روزی که همگان از معرکه نبرد گریختند و پیامبر (ص) را تنها گذاشتند، او پایداری و صبوری کرد. 3. او بدن پیامبر (ص) را غسل داد و در قبر گذاشت. [↑](#footnote-ref-2)
3. المعارف، ص 167 [↑](#footnote-ref-3)
4. شرح نهج البلاغه، ج4، ص 90- 97 [↑](#footnote-ref-4)
5. کنزالفوائد، ج1، ص 257- 259 [↑](#footnote-ref-5)
6. المستدرک علی الصحیحین، ج3، ص 140، ح 4645 [↑](#footnote-ref-6)
7. «فَمَنْ حَاجَّكَ فيهِ مِنْ بَعْدِ ما جاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعالَوْا نَدْعُ أَبْناءَنا وَ أَبْناءَكُمْ وَ نِساءَنا وَ نِساءَكُمْ وَ أَنْفُسَنا وَ أَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكاذِبين»‏ آل عمران، آیه 61 [↑](#footnote-ref-7)
8. کنزالفوائد، ج1، ص 260. علامه ابن بطریق حلّی نیز در کتاب «عمدة» درباره حقیقت اسلام امیرالمؤمنین (ع) که در روایات به عنوان «اول من أسلم» معرفی شده است، بحث و تحقیق کرده است. ر.ک: عمدة عیون صحاح الاخبار، ص 66- 68 [↑](#footnote-ref-8)
9. علامه کراجکی، روایت مزبور را به معنای حقیقی آن حمل کرده و گفته است: امیرالمؤمنین (ع) بدان جهت آن شب را مهلت خواست که درباره دعوت نبوی علم و یقین حاصل کند: «و انما قال له أجلنی اللیلة لیعتبر فیقع له العلم و الیقین مع اعتقاد التصدیق رسول رب العالمین، فلما ثبت له ذلک أقرّ بالشهادتین، مجددا للاقرار بالله سبحانه و شاهدا ببعثة رسول الله (ص)» کنزالفوائد، ج1، ص 260. این دیدگاه با توجه به آیات و روایات مربوط به شخصیت امیرالمؤمنین (ع) و شناخت عمیق و راسخ آن حضرت نسبت به رسول اکرم (ص) قبل از بعثت، سازگاری ندارد. [↑](#footnote-ref-9)
10. امتاع الأسماع، ص 16- 17 ؛ تاریخ پیامبر، ص 87 [↑](#footnote-ref-10)
11. مروج الذهب، ج2، ص 299 [↑](#footnote-ref-11)